

مرو؛ بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر

● دکتر محسن رحمتی

بازکاوی تحولات آن منطقه را برای علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی ضرورت می‌بخشد. به ویژه آنکه امروزه گرایش‌های سیاسی افراطی و تفکرات قوم‌گرا (تحت عنوان پان ترکیسم یا پان‌تورانیسم) به عرصه علم و مطالعات علمی راه یافته و با شیوه‌های غیر علمی و استدلال‌های بی‌منطق، سعی دارند تا با قلب حقایق تاریخی پیوندهای فرهنگی و نژادی دیرین آن منطقه با ایران را که بیش از سه هزار سال تداوم داشته است، انکار نموده و آن‌ها را یک کانون مدنی و فرهنگی مستقل معرفی کنند.^۱ بدین لحاظ بر پژوهشگران ایرانی واجب است که با تحقیقات کاملاً علمی و صادقانه، شواهد و حقایق متعدد تاریخی، باستانی و فرهنگی که دلالت بر وحدت فرهنگی آن منطقه با ایران دارد را تبیین و تشریح نمایند. یکی از بهترین شیوه‌های علمی برای نیل به این هدف، تحقیق در اوضاع سیاسی، اقتصادی، حیات اجتماعی و فرهنگی، شهرسازی، محلات، مساجد و راه‌های ارتباطی هر یک از شهرها و بلاد آن سامان به صورت تک‌نگاری (مونوگرافی) است که بخشی از جغرافیای تاریخی به‌شمار می‌رود. اما متأسفانه تاکنون شهرهای خراسان بزرگ و ماوراء النهر که صحنه حوادث تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در تاریخ ایران بوده، از سوی پژوهشگران ایرانی مورد غفلت واقع شده است. فقط به تازگی باستان‌شناس خوش ذوق و پژوهشگر برجسته، آقای سید منصور سید سجادی، آگاهانه و به منظور جبران این کاستی کمر همت بسته و با گردآوری مطالب مبسوط درباره جغرافیای تاریخی شهر مرو و بلاد اطراف آن، نخستین گام را در این زمینه برداشته است.

اما پیش از بررسی مندرجات کتاب بیان شرحی مختصر درباره اهمیت مرو و جایگاه آن در تاریخ ایران ضروری به نظر می‌رسد. جایگاه والا و مقام ستیغی که مرو در تاریخ ایران داشته، بر اهمیت آن بسی افزوده است. این شهر از دیدگاه سیاسی، اداری و فرهنگی همواره جزئی از خراسان بزرگ و به تبع آن، تمدن ایران بوده است.

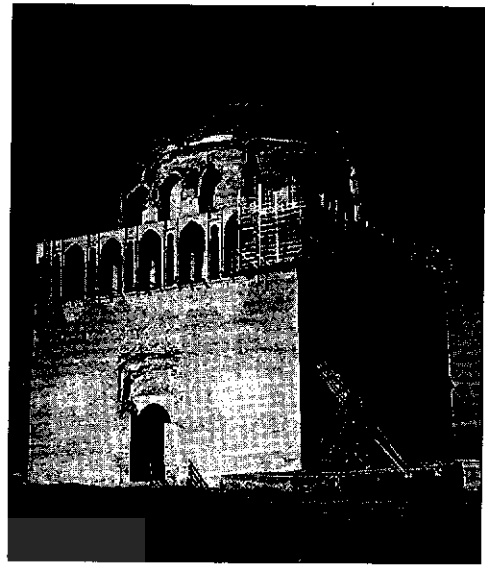


موقعیت مناسب تجاری
(عبور جاده ابریشم از
مرو)، قابلیت سرشار
اقتصادی در اختیار مرو
قرار می‌داد که رونق بیش
از پیش این شهر را در پی
داشت

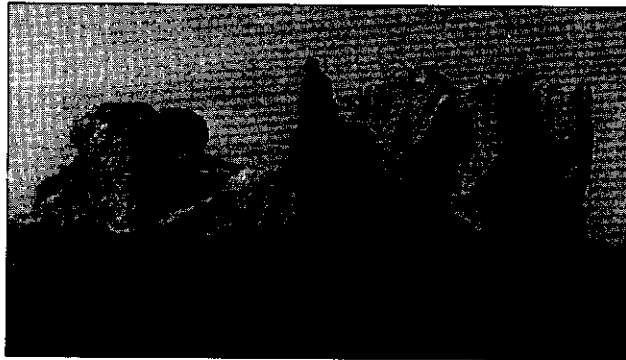
□ مرو؛ بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته‌های
تاریخی و شواهد باستان‌شناسی
□ تألیف: دکتر سید منصور سید سجادی
□ ناشر: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۳،
۵۰۶ ص، شابک: ۹۹-۶-۷۴۸۳-۹۶۴

سرزمینی که امروزه با اهداف خاص سیاسی نام آسیای میانه (ویا به خط آسیای مرکزی) برای آن جعل شده و اکثریت سکنه‌اش را تیره‌های مختلف ترک (اعم از قرقیز، قزاق، ازبک، ترکمن و جزآن) تشکیل می‌دهد، در طول تاریخ به عنوان خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، شرقی‌ترین ایالت ایران قدیم به‌شمار می‌رفت. این سرزمین که در ادوار گذشته محل سکونت و پراکندگی گسترده طوایف ایرانی بود، یکی از مهمترین مراکز فرهنگ و تمدن ایرانی نیز به حساب می‌آید که به ویژه در فرایند تجدید حیات علمی - ادبی ایران در قرون سوم و چهارم هجری نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. پیوند عمیق و چند هزار ساله آن سرزمین با ایران، مطالعه و

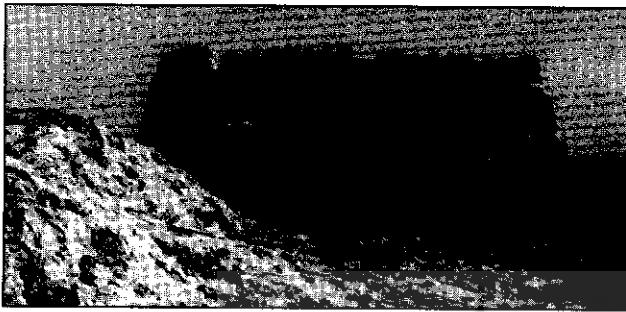
مرو - مقبره سلطان سنجر



مرو - قیز قلعه
(قلعه دختر)
کوچک



مرو - قیز قلعه
(قلعه دختر)
بزرگ



تحقیق در اوضاع سیاسی، اقتصادی، حیات اجتماعی و فرهنگی، شهرسازی، محلات، مساجد و راه‌های ارتباطی هر یک از شهرهای خراسان و ماوراءالنهر به صورت تک‌نگاری، یکی از بهترین شیوه‌های علمی برای نشان دادن وحدت فرهنگی آن مناطق با تمدن ایران است

داخلی به حکام ولایات مرزی به منظور حفظ سرحدات، اقتدار آنان افزایش یافت. همین امر، یعنی کثرت و قدرتمندی اشراف ایرانی در مرو، باعث شد که علاوه بر اهمیت مرو، این اشراف بعد از استیلاء تازیان نیز نقشی عظیم در تحولات دولت آنان ایفاء کنند که به عنوان نمونه می‌توان از قیام عباسیان به رهبری ابومسلم، خلافت مأمون در مرو و انتخاب آن شهر به پایتختی جهان اسلام یاد کرد.

تدابیر عصر ساسانی از نظر استقلال ملوک و دهقانان آن منطقه و استقرار پادگان قوی ارتش ساسانی، مرو را به حصنی تسخیرناپذیر مبدل کرده بود که هیچ‌گاه بیابانگردان شمال شرقی نتوانستند بر آن غلبه کنند. با رونق گرفتن امر غزا و جهاد در دوره اسلامی و استقرار گسترده غازیان مسلمان در مرو، این استحکام دو چندان شد. چنان که معروف شده بود «بر هر یک از دروازه‌های مرو فرشته‌ای باشمشیر آخته ایستاده و از آن بالا و شرور را دفع می‌کند.»^۲ با عقب رانده شدن بیابانگردان به آن سوی سیحون و کاهش خطر آنان، به تدریج از اهمیت سیاسی مرو کاسته شد، همچنین اقتدار اشراف آن شهر که قدرت طاهریان و صفاریان را به چالش می‌کشید نیز مزید بر ماجرا شد، تا از قرن سوم نیشابور به جای آن کرسی خراسان گردد. این امر اگرچه اهمیت سیاسی مرو را به شدت تحت تأثیر قرار داد، اما از اهمیت اقتصادی (تجاری) و فرهنگی آن چیزی نکاست. نقش این شهر و عالمان آن در تجدید حیات علمی - ادبی ایران از کثرت نام دانشمندان، ادیبان، نویسندگان، کتابخانه‌ها، مدارس و مساجد این شهر که در منابع مختلف ثبت شده است، به خوبی نمایان می‌گردد. شهرت دانشمندان مرو چنان بود که سمعانی خود را از توصیف آنها بی‌نیاز می‌دانست. انتقال مرکزیت از مرو به نیشابور و سپس بخارا، حصانت افسانه‌ای چندین صد ساله مرو را به شدت تحت تأثیر قرار داد؛ چنان که در قرن پنجم هجری ایلات ترکمن سلجوقی فرصت عبور از جیحون را یافته و با تصرف قراقوم، مرو را مورد تعرض قرار

اگرچه واحه مرو به سبب دوری از دریا، خشک و کم‌باران است، اما به علت قرار گرفتن بر کران رود مرغاب در طول تاریخ همواره از نواحی حاصلخیز خراسان به‌شمار می‌رفته است. این واحه «شوره‌ناک و ریگ بوم»^۳، به لطف یکی از بدیع‌ترین و کم‌نظیرترین نظام‌های آبیاری جهان^۴، در گذشته به یکی از آبادترین شهرهای ایران و جهان آن روز و محل پرورش بهترین محصولات کشاورزی مبدل شده بود. وسعت آبادی آن چنان بود که هر یک از روستاهای آن نیز خود در حد شهری مستقل بودند. دامنه مزارع و باغ‌های مرو و توابع آن به تبع نهرهای متعدد منشعب از رود مرو، در دل بیابان قراقوم پیش‌رفته بود.

بیابان قراقوم از سه جهت شرق، شمال و غرب این واحه را در محاصره داشت، ولی تلاش خستگی‌ناپذیر تمدن ایرانی موجود، آن را عقب رانده و تا آنجا که آخرین قطرات آب رودخانه در میان ریگ‌ها ناپدید می‌شد، آبادانی را گسترش داده بود.

رونق گرفتن جاده ابریشم و عبور آن از مرو نیز بر اهمیت این شهر افزود. این موقعیت مناسب تجاری قابلیت سرشار اقتصادی را در اختیار مرو قرار می‌داد که رونق بیش از پیش این شهر را در پی داشت. واحه مرو حداقل از عصر مفرغ به بعد آباد بود، اما اهمیت آن مربوط به بعد از ورود آریاها است. متأسفانه از اوضاع مرو قبل از حمله اعراب مسلمان اطلاع زیادی در دست نیست. فقط می‌دانیم که از قرن پنجم میلادی فشار ایلات بیابانگرد اوراسیا به مرزهای شرقی ایران افزایش یافت. موقعیت خطیر و سوق الجیشی مرو از نظر مقابله با این حملات و نظارت بر تحرکات آنها موجب گردید تا از این زمان شهر مرو به عنوان مهمترین مرکز سیاسی و نظامی ایران در شرق (خراسان) مطرح گردد. مرکزیت خراسان، مهاجرت عده زیادی از رجال، اشراف، دهقانان و بزرگان اطراف خراسان را به مرو باعث شد که با توجه به شیوه کشورداری ساسانی مبنی بر اعطاء استقلال

دادند. تلاش ناموفق سلطان مسعود غزنوی (۴۲۲-۴۳۲) در دفاع از این شهر نیز بی ثمر ماند و پس از شکست او در رباط دندانقان، سلجوقیان بر مرو مسلط شدند. از دست دادن مرو چنان بر روحیه سلطان اثر گذاشت که امید سلطنت را از دست داد. از آن پس با توجه به سیاست سلجوقیان و دیوانسالاران ایرانی آنها، به منظور ممانعت از ورود دیگر ایلات و حفظ مرزهای شرقی، مرو به پایتختی بخش شرقی امپراتوری سلجوقی انتخاب شده و اهمیت دیرین خود را بازیافت و در عصر سلطان سنجر (۴۹۰-۵۵۲) به پایتختی کل امپراتوری مبدل گردید تا به دوران اوج شکوه خود نزدیک شود.

اما در سال ۵۴۸ مرو با حمله غزها به شدت ویران شد، با این وجود به حیات خود ادامه داد و در نیمه دوم قرن ششم در رقابت میان غوریان و خوارزمشاهیان نیز متحمل برخی خسارات گردید. سرانجام با حمله مغول این شهر به طور کامل ویران و عملاً از نقشه جغرافیای ایران و جهان حذف گردید.

بقایای افتخارآمیز این شهر کهن به شکل تپه‌های مجزا، ویرانه کاخ‌ها، کوشک‌ها، کانال‌ها و بناهای گوناگون دیگر، امروزه در شمال شهرک بایرامعلی در استان ماری در جمهوری ترکمنستان قرار دارد که یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های باستانی ایران به شمار می‌رود. این ویرانه‌ها محل مناسبی جهت مطالعات باستانشناسی و کسب اطلاعات راجع به گذشته آن سرزمین است. این منطقه در طول یک قرن گذشته از سوی باستان شناسان روسی، ترکمنی، ایتالیایی و انگلیسی مورد حفاری و مطالعه قرار گرفته و به مدد دستاوردهای این عملیات میزان آگاهی نسبت به اوضاع مرو در گذشته و به ویژه عصر باستان به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

متأسفانه گزارش‌های مربوط به این عملیات تاکنون به زبان فارسی چاپ و منتشر نشده و در ایران تقریباً ناشناخته مانده‌اند. نویسنده فاضل این کتاب با علم بر این نقشه و به منظور جبران آن از طریق انتقال گزیده این اطلاعات به جامعه علمی ایران، دست به تحریر این کتاب زده و با اتکاء به آثار باستانی و یافته‌های باستان شناسان، این اثر سترگ را پدید آورده است. همچنین برای تکمیل اطلاعات موجود، به تطبیق و مقایسه آن با روایات کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی نیز پرداخته است.

کتاب مشتمل بر یک مقدمه کوتاه، یک درآمد، هفت فصل و یک پیوست است.

فصل اول به تشریح منابع اطلاعاتی ما از جغرافیای تاریخی مرو و خراسان اختصاص یافته است. نویسنده این منابع را در سه بخش دسته‌بندی کرده است:

- ۱- منابع مکتوب و کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی که واجد اطلاعات بسیاری راجع به خراسان و مرو در قرون نخستین هجری هستند.
- ۲- تحقیقات و پژوهش‌های جدید که در طول دو قرن گذشته توسط ایران شناسان نامدار اروپایی، آمریکایی، روسی و ایرانی نوشته شده‌اند.
- ۳- تحقیقات مربوط به شواهد و مدارک باستان‌شناسی که

صرف نظر از اطلاعات نفیس باستان‌شناسانه در مورد منطقه مرو، اطلاعات ذیقیمی درباره تطبیق نوشته‌های کهن با داده‌های باستان‌شناسی ارائه می‌کنند.

فصل دوم کتاب به معرفی مختصری از خراسان و ماوراءالنهر، جایگاه خراسان در بین سرزمین‌های اسلامی و جایگاه مرو در خراسان بزرگ اختصاص یافته است. در این فصل مؤلف به درستی با استناد به کتب جغرافیایی و تاریخی، وحدت خراسان بزرگ را نشان داده است. در قسمتی از این فصل اطلاعاتی درباره حدود و مرزهای خراسان ارائه شده است. در ادامه نویسنده به تقسیمات داخلی خراسان، تقسیم‌بندی‌های اداری - سیاسی آن در سده‌های اولیه اسلامی و شهرهای خراسان پرداخته است تا بر کلیه دعاوی جدید که این سرزمین‌ها را تحت عنوان آسیای میانه می‌خوانند، خط بطلانی کشیده باشد.

فصل سوم که بدیع‌ترین مبحث کتاب است به شرح و تبیین اوضاع مرو (مرغیانه) در ادوار پیش از اسلام اختصاص دارد. نویسنده با استناد به متون کهن اساطیری و تاریخی مربوط به عصر باستان و با استفاده وسیع از گزارش بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده در مرو، اطلاعاتی نفیس در باب مرو پیش از تاریخ و دوره تاریخی به دست داده است.

فصل چهارم به بررسی اوضاع مرو در دوران اسلامی اختصاص یافته است. نویسنده بر اساس نوشته‌های مورخان و جغرافی دانان دوره اسلامی و یافته‌های باستانی مربوط به این دوره به تشریح اوضاع مرو در دوره اسلامی پرداخته است. نخست با ارائه شرح مختصری درباره تاریخ شهر مرو و ارتباط آن با دیگر ایلات اسلامی، به تجزیه و تحلیل مدارک و شواهد باستانی به دست آمده از دوران اسلامی مشغول شده است و سپس شرحی کوتاه راجع به وضعیت آب و هوا، طبیعت و زمین مرو ارائه نموده و به توصیف موقعیت جغرافیایی شهر و وجه اشتقاق نام آن پرداخته است. ادامه مطالب این فصل به بررسی وضعیت معماری، محلات، مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و سایر بناهای شهر اختصاص دارد.

در فصل پنجم و ششم اوضاع جغرافیایی شهرک‌ها و شهرهای وابسته به مرو (نظیر ماشان، سنج، کشمیهن، گیرنگ و جز آن) و دیگر شهرهای همسایه (مانند نسا، سرخس، ابیورد، مرو و جز آن) بررسی شده است.

در فصل هفتم وضعیت اقتصادی - اجتماعی واحد مرو از زمان رسیدن تازیان تا زمان هجوم مغولان مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل نویسنده نخست مسائل اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی شهر را بررسی کرده و سپس به تشریح فعالیت‌های شغلی و نیروی انسانی شهر پرداخته است. در ادامه نیز مطالبی در باب آب و منابع آبی منطقه و راه‌های ارتباطی مرو با دیگر نقاط ایران بر اساس نوشته‌های جغرافیا دانان اسلامی ارائه کرده است.

چنان که پیشتر هم اشاره شد، مهم‌ترین مزیت این کتاب را می‌توان فتح باب در زمینه مروشناسی و یا تحقیق در جغرافیای تاریخی هر یک از دیگر شهرهای خراسان بزرگ چون بلخ، بخارا، خوارزم، سمرقند و جز آن دانست. این اثر به محققان امکان می‌دهد

اگر چه واحد مرو به سبب دوری از دریا، خشک و کم باران است، اما به علت قرار گرفتن بر کران رود مرغاب در طول تاریخ همواره از نواحی حاصلخیز خراسان به‌شمار می‌رفته است

تا با مطالعات بیشتر، ابعاد مختلف تاریخ، فرهنگ و اقتصاد مرو را به صورت تخصصی بررسی نمایند و به تکمیل مندرجات این اثر کمک کنند.

دیگر ویژگی برجسته کتاب، تبیین جغرافیای تاریخی براساس مدارک باستان‌شناسی است که علاوه بر تازگی این شیوه، به لحاظ عدم دسترسی عمومی دانش پژوهان ایرانی به گزارش‌های باستان‌شناسان مرو حائز اهمیت بسیار است به ویژه که تخصص مؤلف در رشته باستان‌شناسی این مبحث را از پختگی و غنای زیادی بهره‌مند کرده است.

اما گستردگی موضوع و ارتباط بحث با رشته‌های تاریخ، ادبیات و فلسفه کاستی‌هایی را نیز در این کتاب ایجاد کرده است که از جمله آن باید به تکرار، تطویل و اطباب در برخی مباحث اشاره کرد. چنان که بعضی مطالب چندبار در متن کتاب تکرار شده و یا نکات واضح و صریح مورد تفسیر و بازگویی واقع شده است.

به عنوان نمونه همه آنچه که به صورت مفصل و مشروح درباره تقسیمات ایالت خراسان در صفحات ۷۴-۷۶ آمده، با اندکی تغییر در صفحه ۱۸۸ تکرار شده است و یا مطالب مربوط به «ارگ قلعه» در صفحه ۱۴۵ مجدداً در صفحه ۱۹۰ درج شده است و یا سخن یاقوت حموی (م ۶۲۶) درباره کتابخانه‌های مرو به صورت مستقیم نقل شده است و در حالی که هیچ عبارت دشواری در آن نیست، ضمن اینکه در ادامه بحث به توضیح و تفسیر آن مطالب پرداخته شده است.^۵

همچنین باید از فراوانی نقل قول‌های مستقیم از منابع اصلی یاد کرد که امروزه در متون تاریخی پذیرفته نیست. به عنوان مثال رونویسی منقولات ثعالبی درباره فرار یزدگرد^۶ و یا داستان فتح مرو به دست مغولان به طور کامل از جوینی نقل شده است^۷، در حالی که اثر جوینی و ثعالبی، چاپ شد و نیازی به این کار نبوده است.

علاوه بر این، نویسنده فاضل کتاب، در استفاده کامل از متون تاریخی جلو نرفته و از همه منابع استفاده نکرده است. به عنوان نمونه مطالب نویسنده درباره پایتختی مرو در زمان طاهریان و انتقال آن به نیشابور^۸ با استناد به کتاب جغرافیایی نزهة القلوب نوشته حمدالله مستوفی (قرن هشتم) صورت گرفته است، در حالی که از روایات مورخین قرن سوم و چهارم که از حوادث آن عصر اطلاع بیشتری داشته‌اند، نظیر حمزه اصفهانی که به وقایع بسیار نزدیک بوده و روایت او نافی روایت مستوفی است، غافل مانده است. و یا مطالب ذکر شده درباره وقایع عصر سلجوقی نیز تنها با استناد به راحة الصدور راوندی است، در حالی که راوندی در باب اوایل عصر سلجوقی منبع دست دوم به حساب می‌آید و اصل این مطالب را در سلجوقنامه ظهیری، تاریخ آل سلجوق عماد کاتب، مجمل التواریخ و القصص می‌توان یافت که از آنها غفلت شده است.

بر همین اساس برخی نظریات و مطالب غیر واقع در متن راه یافته که تصحیح آنها لازم به نظر می‌رسد.

چنانکه اشاره شد نظرات و استنتاجات مؤلف درباره زمان انتقال پایتختی از مرو به نیشابور^۹، پایتختی مرو در واپسین ایام حکومت سامانی^{۱۰}، استفاده ابن خردادبه (در گذشته قبل از ۳۰۰) از آثار ابوعلی سلامی (زنده در ۳۵۲)،^{۱۱} غارت متناوب مرو توسط غزها قبل از

سلطنت سنجر سلجوقی^{۱۲} (۴۹۰ - ۵۵۲) و مطالبی دیگر از همین قبیل با واقعیات مستند و مستدل تاریخی تناقض تام دارند. همچنین در برخی موارد در ارجاعات کتاب اشکالاتی دیده می‌شود، چنان که درباره بنای شهر نسا از نسوی روایتی را نقل می‌کند؛ در حالی که ارجاع آن به احمد رنجبر احاله شده است^{۱۳} و یا مطالبی را از قول یاقوت به نقل از ابوسعدا آورده^{۱۴} و توضیح نمی‌دهد که ابوسعدا کیست؛ همچنین بدون دادن ارجاع، مطالبی را از قول نویسنده معجم التواریخ درباره شهر مرو آورده است،^{۱۵} در حالی که در هیچ جای دیگری از متن درباره این کتاب و نویسنده آن مطلبی به دست نمی‌دهد.

در پایان همچنین از اغلاط چاپی که به فراوانی در متن دیده می‌شود باید یاد کرد که برای نمونه به چند مورد اشاره کرده و شکل صحیح آن را داخل پرانتز می‌آوریم: معجم الانساب (مجمع الانساب)، علی حسین بن احمد (ابو علی حسین بن احمد)، کوره راه‌های خراسان (کوره‌های خراسان)، مرصاد الاطلاع (مراصد الاطلاع)، پیروزی (پیروی)، سلیمان بن کبیر (سلیمان بن کثیر)، حارث بن سربیع (حارث بن سربیع) و بنده من کتاب الخراج (بند من کتاب الخراج) و موارد متعدد دیگر.^{۱۶}

در پایان امیدواریم که فعالیت‌های علمی نویسنده کتاب در باب شهرهای خراسان بزرگ تداوم داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برای اطلاع بیشتر رک: کتاب حاضر، صص ۴۷-۴۶ و بلنیتسکی، خراسان و ماوراءالنهر، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۱۰ به بعد (مقدمه مترجم).
- ۲- استخری، مسالک و ممالک (ترجمه فارسی)، تصحیح ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۷.
- ۳- رک: استخری، همان، صص ۲۰۷-۲۰۸؛ بارتولد، آبیاری در ترکستان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۰، صص ۶۳-۹۰.
- ۴- محمد بن احمد المقدسی، احسن التقاسیم، تحقیق محمد مخزوم، بیروت، ۱۴۰۸، ص ۲۳۷.
- ۵- صص ۲۰۸ و ۲۰۹.
- ۶- صص ۱۰۲-۱۰۶.
- ۷- صص ۱۷۷-۱۸۷.
- ۸- صص ۱۷۴ و ۲۱۷-۲۱۸.
- ۹- همانجا.
- ۱۰- صص ۱۷۴.
- ۱۱- صص ۳۱.
- ۱۲- صص ۱۷۵.
- ۱۳- صص ۲۸۴.
- ۱۴- صص ۲۸۳.
- ۱۵- صص ۹۶.
- ۱۶- این موارد به ترتیب در صفحات ۵۲، ۳۰، ۳۶، ۵۱، ۲۴ آمده است.

شهر مرو از دیدگاه
سیاسی، اداری و
فرهنگی همواره جزئی از
خراسان بزرگ و به تبع
آن، تمدن ایران
بوده است